گزینه دو
مؤسسه آموزشی فرهنگی

ویژهٔ پایهٔ دوازدهم

آبان ۱۴۰۴

# دفترچه پاسخ تشریحی

## ارزشیابی تشریحی مرحله ۱

### عربی، زبان قرآن ۳ (رشته ادبیات و علوم انسانی)

۱۴۰۵-۱۴۰۴

gozine2.ir

گزینه دو
مؤسسه آموزشی فرهنگی

# اسامی هیئت‌علمی ارزشیابی‌های تشریحی مؤسسه گزینه‌دو در سال تحصیلی ۱۴۰۵_۱۴۰۴

- معاون تولید محتوا: **علی الفتی**
- مدیر پروژه ارزشیابی تشریحی: **محمد حسین کشانی**

## گروه ریاضی

مدیرگروه: سید امیرمحمد سید شاکری

| درس | مسئول درس | طراحان | |
|---|---|---|---|
| حسابان و ریاضی پایه | **مسئول درس:** علیرضا فاطمی | حسین شفیع زاده | سید امیرمحمد سید شاکری |
| هندسه | **مسئول درس:** محمد تقی‌پور | سعید اکبرزاده | امیدرضا پورحسینی |
| ریاضیات گسسته | **مسئول درس:** حسین اسدزاده | سعید اکبرزاده | امیررضا پورحسینی |
| ریاضی تجربی | **مسئول درس:** امیرحسین شریفیان | ایمان اردستانی | محمد خان‌گلدی |
| ریاضی انسانی | **مسئول درس:** حسین اسدزاده | سعید اکبرزاده | امیدرضا پورحسینی |

## گروه علوم

مدیرگروه: محمد حسین کشانی

| درس | مسئول درس | طراحان | |
|---|---|---|---|
| زیست شناسی | **مسئول درس:** علی جوهری | منصوره رئیس‌دانا | علی جوهری |
| فیزیک | **مسئول درس:** علی کنی | احمد رضوانی | یوسف صباغی |
| شیمی | **مسئول درس:** محمد وحیدی | بابک اسفندی | سبحان دقیق |
| زمین شناسی | **مسئول درس:** شکیبا کریمی | حسن علی‌محمدی | |

# اسامی هیئت‌علمی ارزشیابی‌های تشریحی مؤسسه گزینه‌دو در سال تحصیلی ۱۴۰۵_۱۴۰۴

گزینه دو
مؤسسه آموزشی فرهنگی

gozine2.ir

- معاون تولید محتوا: **علی الفتی**
- مدیر پروژه ارزشیابی تشریحی: **محمدحسین کشانی**

## گروه عمومی

مدیر گروه: علی اکبر آخوندی

| درس | مسئول درس | طراحان |
| --- | --- | --- |
| ادبیات فارسی | **مسئول درس:** محسن ابراهیم‌تهرانی | افشین محی الدین |
| دین و زندگی | **مسئول درس:** زهرا محمدی | علی‌اکبر آخوندی، زهرا محمدی |
| زبان انگلیسی | **مسئول درس:** سعید ابراهیمی | علی عاشوری، سعید ابراهیمی |

## گروه انسانی

مدیر گروه: علی اکبر آخوندی

| درس | مسئول درس | طراحان |
| --- | --- | --- |
| علوم و فنون ادبی | **مسئول درس:** فاطمه اکران | گلاویژ جلالی، مهراوه مجتهد |
| جامعه شناسی | **مسئول درس:** الهام رضایی<br>**دستیار:** فاطمه صفری | فروغ تیموریان، آزیتا بیدقی |
| روان شناسی | **مسئولین درس:** سیده ضحی سکاکی و حسین اصفهانی | سیده ضحی سکاکی |
| زبان عربی | **مسئولین درس:** پویا رضاداد، مائده خدایاری<br>**دستیار:** سارا حمزه | عمار تاجبخش، محسن احدی، کیارش پورمهدی، جواهر فرحان |
| تاریخ | **مسئول درس:** الناز گنج‌کار<br>**دستیار:** الهه ریاحی‌نسب | مهسا اصغری، وجیهه صادقی |
| جغرافیا | **مسئول درس:** وجیهه صادقی | بهروز یحیی، مهسا اصغری |
| فلسفه و منطق | **مسئول درس:** نگین تربتی | اکرم یاسری، فاطمه شریف زاده |

-۱

الف) خشمگین نشو؛ چراکه خشم، مایهٔ تباهی است! (۰/۲۵)

ب) گویی آن‌ها ساختمانی استوار هستند. (۰/۲۵)

ج) دانش را کسب کن و جانشینی برای آن نخواه! (۰/۲۵)

د) پاک است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانه حرکت داد. (۰/۲۵)

-۲

الف) «إلّا» و «سِوَى» هر دو به معنای «جز»، مترادف هستند. (۰/۲۵)

ب) «مَوتَى: مردگان» با «أحیاء: زندگان»، متضاد است. (۰/۲۵)

ج) «طَوِیل: طولانی» با «قَصیر: کوتاه»، متضاد است. (۰/۲۵)

-۳

گزینهٔ «ج»؛ ترجمهٔ گزینه‌ها:

الف) آهن ب) مس ج) گِل (۰/۵) د) نقره

-۴

الف) جمع کلمهٔ «العَظم: استخوان»، کلمهٔ «العِظام» می‌باشد. (۰/۲۵)

ب) مفرد کلمهٔ «الأجرام: پیکرها»، کلمهٔ «الجِرم» می‌باشد. (۰/۲۵)

-۵

الف) العَصَبُ؛ ترجمه: «عصب، رشتهٔ سفیدی در بدن است که حس در آن جاری است!» (۰/۲۵)

ب) الکَسولُ؛ ترجمه: «تنبل، کسی است که در انجام تکالیفش تأخیر می‌کند و کارهایش را در وقت تعیین‌شده کامل نمی‌کند!» (۰/۲۵)

-۶

الف) پس این، روز رستاخیز است؛ ولی شما نمی‌دانستید. (۰/۵)

نکته: «کان + لا + مضارع» به‌صورت ماضی استمراری منفی ترجمه می‌شود.

ب) گاهی کسی که از راهش گمراه شده است، با من دربارهٔ آفرینش جهان بزرگ‌تر بحث می‌کند! (۱)

نکته: «قد + فعل مضارع» به‌صورت «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

-۷

الف) ای پیامبر، کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند، نباید تو را ناراحت کنند. (۰/۵)

نکته: «لا نهی + مضارع غایب» به‌صورت «نباید + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

ب) کارت را به خوبی انجام بده؛ چراکه ارزش هر انسانی به کارهای نیکویش است! (۰/۷۵)

-۸

الف) امید است نام خدا بر غذا یاد شود؛ چراکه برکت یافت نخواهد شد مگر با یاد خدا! (۱)

نکته: «لَیتَ/ لَعَلَّ + فعل مضارع» به‌صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

ب) همانا قلب مانند کِشت، آنگاه که آب بر آن زیاد شود، می‌میرد! (۰/۷۵)

-۹

الف) هیچ فقری شدیدتر از نادانی و هیچ عبادتی مانند اندیشیدن نیست! (۰/۵)

نکته: لای نفی جنس به‌صورت «هیچ ... نیست» ترجمه می‌شود.

ب) گویی پدرم در خرید نخ قرمز مردّد است، ولی فروشنده بر فروش آن مصمّم است! (۱/۵)

-۱۰

الف) لَیتَ: کاش، ای کاش (۰/۲۵)/ لَم یُضیعوا: تباه نکرده بودند، تباه نمی‌کردند (۰/۲۵)

ترجمۀ کامل عبارت: «کاش دانش‌آموزانم وقت‌هایشان را در تابستان گذشته تباه نکرده بودند (نمی‌کردند)!»

ب) نُقّاد الکَلام: نقدکنندگان سخن (۰/۲۵)/ لا تَسُبّوا: دشنام ندهید (۰/۲۵)

ترجمۀ کامل عبارت: «ای مردم، نقدکنندگان سخن باشید و کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام ندهید!»

-۱۱

الف) گزینۀ ۱؛ «قَد أفلَحَ» به‌صورت ماضی نقلی ترجمه می‌شود. (۰/۵)

ب) گزینۀ ۱؛ «لا تَجتَمِعُ» به معنی «جمع نمی‌شود»، لازم است و مفعول نمی‌گیرد. (۰/۵)

-۱۲

الف) کُنّا قَد أطعَمنا: «کانَ + قَد + فعل ماضی» به‌صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود. فعل در صیغۀ متکلّم مع‌الغیر است.
ترجمه: «بیچارگان را در ماه رمضان خوراک داده بودیم!» (۰/۲۵)

ب) لا تُطعِمنَ: با توجّه به «رَجاءً»، درمی‌یابیم که فعل نهی است. فعل در صیغۀ جمع مؤنّث مخاطب است. ترجمه: «لطفاً در این باغ به حیوانات خوراک ندهید!» (۰/۲۵)

ج) لِیُطعَمْ: فعل امر غایب مجهول، صیغۀ مفرد مذکّر غایب است. ترجمه: «کودک باید خوراک داده شود؛ زیرا گرسنه است!» (۰/۲۵)

د) لَن یَرحَمَ: فعل مستقبل (آینده) منفی، صیغۀ مفرد مذکّر غایب است. ترجمه: «خداوند به کسی که به مردم ستم کند، رحم نخواهد کرد!» (۰/۲۵)

هـ) لا یَرحَمْ: «لای نهی + فعل مضارع غایب» به‌صورت «نباید + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود. فعل در صیغۀ مفرد مذکّر غایب برای فاعل جمع است. ترجمه: «مردم به دشمنی که به کشورمان حمله می‌کند، نباید رحم کنند!» (۰/۲۵)

و) ما رَحِمتَ: فعل ماضی منفی، صیغۀ مفرد مذکّر مخاطب است. ترجمه: «همانا تو به دیگران رحم نکردی، پس دشمنی میانشان را به دست آوردی!» (۰/۲۵)

-۱۳

الف) «مَکتوبٌ»؛ خبر «لَعلَّ» همواره مرفوع است. ترجمه: «شاید معنی این کلمه در واژه‌نامه نوشته‌شده باشد!» (۰/۲۵)

ب) «المُؤمِنینَ»؛ اسم «إنَّ» همواره منصوب است. ضمناً با توجّه به ضمیر متّصل «ـهُم»، می‌فهمیم در جای خالی کلمه باید به‌صورت جمع بیاید. ترجمه: «همانا مؤمنان در نمازشان فروتن هستند!» (۰/۲۵)

ج) لِأنَّ- لکنَّ؛ با توجّه به ترجمه، در جای خالی اوّل، «لِأنَّ» و در جای خالی دوم، «لکنَّ» می‌آید. ترجمه: «دانش‌آموزان تکالیفشان را نوشتند، زیرا استاد آن را خواسته بود؛ ولی بعضی از آن‌ها آن را انجام ندادند!» (۰/۵)

-۱۴

الف) لا یَرحَمُ: نافیه؛ ترجمه: «خدا رحم نمی‌کند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند!» (۰/۲۵)

ب) لا تُحَمِّلنا: ناهیه (۰/۲۵)/ لا طاقَةَ: نفی جنس (۰/۲۵)؛ ترجمه: «پروردگارا، آنچه را هیچ طاقتی بر آن نداریم، بر ما تحمیل نکن.»

-۱۵

الف) اسم فاعل: مُوَصِّل (رسانا؛ اسم فاعل از ثلاثی مزید، باب «تفعیل» است.) (۰/۲۵)

ب) اسم مبالغه: أمّارَة (بسیار دستور دهنده؛ بر وزن «فَعّالَة» است.) (۰/۲۵)

ج) اسم مکان: المَصنَع (کارخانه؛ بر وزن «مَفعَل» است.) (۰/۲۵)

د) اسم تَفضیل: أسوَأ (بدتر؛ بر وزن «أفعَل» است.) (۰/۲۵)

هـ) مَحفوظاً: اسم مفعول از ثلاثی مجرّد است. ترجمه: «و آسمان را سقفی نگه‌داشته‌شده قرار دادیم.» (۰/۲۵)

ترجمۀ عبارت‌ها: «هیچ بدی‌ای بدتر از دروغ نیست!/ عنصری فلزی رسانا برای حرارت!/ همانا نفس، بسیار دستور دهنده به بدی است./ کارخانه منفجر شد و بسیاری از مردم کشته شدند!»

-۱۶

الف) حَوائِجَ: اسم «إنَّ» (۰/۱۵)/ النّاسِ: مضاف‌الیه (۰/۱۵)/ نِعمَةُ: خبر «إنَّ» (۰/۱۵)

ترجمه: «بدانید که خواسته‌های مردم از شما نعمت خدا بر شماست!»

ب) النّاسُ: مبتدا (۰/۲۵)/ جِهَةِ: مجرور به حرف جرّ (۰/۲۵)/ أکفاءُ: خبر (۰/۲۵)

ترجمه: «مردم از جهت پدران، همتا هستند!»

-۱۷

الف) الدّاء؛ ترجمه: «از نشانه‌های بیماری در انسان، بالا رفتن درجهٔ حرارت بدن است!» (۰/۲۵)

ب) الطّین؛ ترجمه: «گِل، خاک مخلوط‌شده با آب است!» (۰/۲۵)

کلمات «البَعث: رستاخیز» و «العَصّارَة: آبمیوه‌گیری» اضافی هستند.

-۱۸

ترجمهٔ متن:

«برخی از مردم از روی نادانی به نژادهایشان افتخار می‌کنند؛ زیرا آن‌ها گاهی نمی‌دانند که ما از یک مادر و پدر متولّد شده‌ایم و در آفرینش یکسان هستیم و هیچ تفاوتی میان کسی نیست، مگر با رفتارش و کارهای خوب یا بدش! باید بدانیم که افتخار واقعی همان عقل ثابت و توانایی همزیستی کردن با دیگران و پذیرش اختلافات عقیده است!»

الف) چرا مردم به نژاد خود افتخار می‌کنند؟ لِأنّهم قَد لا یَعلَمونَ أنَّنا وُلِدنا مِن أُمٍّ و أبٍ! (۰/۵)

ب) افتخار واقعی چیست؟ هو العَقلُ الثّابِتُ و قُدرَةُ التَّعایُشِ مَعَ الآخَرینَ و قَبولُ خِلافاتِ العَقیدَة! (۰/۵)

ج) گزینهٔ ۳؛ ترجمهٔ گزینه‌ها: (۰/۵)

۱) مردم گاهی در آفرینش‌شان تفاوت دارند!

۲) از علامت‌های افتخار واقعی، این است که مردم در عقیده‌هایشان تفاوت نداشته باشند!

۳) مردمی که به نژادهایشان افتخار می‌کنند، جاهل هستند!

د) الصَّحیح؛ ترجمه: «هیچ برتری برای کسی نسبت به کسی نیست، مگر با عقلش!» (۰/۲۵)